

نکات و دست نوشته های پدر راستین

شانزدهم نوامبر سال ۲۰۰۱

چه تعدادی از شما بالای چهل سال سن دارید؟ چه تعدادی زیر چهل سال؟ خدا از چه سنی خوش می‌آید؟ از جوانان، از مردم جوان خوشش می‌آید ... رابطه‌ی پدر و پسر تغییر ناپذیر است، در رابطه‌ی پدر و پسر- برادر و خواهر- شوهر و زن هر يك از اعضاء جایگاه و مقام خود را دارا هستند ... ما بواسطه‌ی سقوط، والدین خود را از دست داده‌ایم به همین دلیل برادران دشمن یکدیگر شده و یکدیگر را به قتل می‌رسانند ... رهبران و موسسین مذاهب هرگز نمی‌اندیشند که چنین شده باشد ... اما سرانجام والدین راستین ظهور نمودند و این آنها هستند که باید همه چیز را تحت کنترل قرار دهند. بواسطه‌ی وجود والدین راستین مشکلات بین برادران از بین خواهد رفت ...

آیا برادران می‌توانند از یکدیگر جدا شوند؟ والدین چطور؟ خدا چطور؟ هیچکدام نمی‌توانند جدا شوند، زندگی همه‌ی ما به هم مرتبط است، همه در نسب خونی با هم مرتبط هستیم. براستی متمرکز بر نسب خونی است که می‌توانیم والدین، برادران و خواهران خود را بیابیم که این جایگاه، صلح است و خدا براستی خواهان صلح است.

آیا تا به حال در بهشت زندگی می‌کرده‌اید یا در جهنم؟ جهنم چگونه جایی است؟ جهنم جایی است که در آن عشق و نسب خونی وجود ندارد! شما اکنون به کجا می‌روید؟ آیا براستی برای رفتن به بهشت و دنیای صلح آمیز آماده هستید؟ اگر شما نتوانید که صلح را بیابید در زباله دانی خواهید بود! شما بر اساس پایه‌ی پلیدی به دنیا آمده‌اید و من باید همه چیز شما را قطع کرده و از بین ببرم ... در واقع پایه‌ی پلیدی بشری را از بین ببرم ... آیا قادر هستید که شاهدخت خدا بشوید؟ یا اینکه باید شما را بدور بیاندازم؟ شما باید بدرستی خوبی و بدی را بشناسید! آیا در حوزه‌ی خوبی هستید یا بدی؟ در راه ایمان باید بارها و بارها جان فدا کنید. چند بار خواهان فدا کردن زندگی خود هستید؟ اگر سلولهای جسمی شما بمیرند آیا قادر هستید به زندگی ادامه دهید؟ اگر خدا وجود داشته باشد آیا خواهان پیروی از او هستید یا خدمت به او؟ براستی خواهان چه چیزی هستید؟ شما خواهان پول و دانش هستید! ... اینجور چیزها از کجا آمده‌اند؟

آیا زبان کره‌ای میدانید؟ آیا می‌خواهید زبان کره‌ای آموخته و از آن استفاده کنید ... (پدر این مطلب را با رو کردن به خواهرهای ژاپنی حاضر در سالن مطرح کردند) آیا این دو زبان می‌توانند یکی شوند؟

اگر به شما برکت ندهم چه خواهید کرد؟ ... بین میوه‌ی يك درخت ده هزار ساله و يك درخت سه ساله چه تفاوتی وجود دارد؟ بذر هر دو یکی است اما میوه‌ی درخت کهن سال تر، با ارزش تر است ... شما باید روحی پاك داشته باشید ... شما دارای چیز با ارزشی در درون خود هستید ... آیا براستی شما از آدم بهتر هستید یا نه؟ پاسخ دهید؟

ما با انکار کامل خود می‌توانیم بطور کامل يك شهروند پادشاهی بهشتی بشویم. آنهايکه به تحصیلات خود می‌بالند به جایی نخواهند رسید ... باید متواضع باشید و مثل کودکان خود را انکار کنید آیا متوجه منظورم میشوید؟ ... اتحاد چگونه ممکن است؟ نه پول، نه قدرت، نه دانش می‌توانند به چنین امری نائل آیند ... عشق خدا برترین چیز است ... عشق خود به خود شکل نمی‌گیرد ... اگر مفعولی وجود نداشته باشد عشق به جریان نمی‌افتد، حتی خدای قادر مطلق، قادر به انجام چنین چیزی نیست ... عشق به معنای زیستن برای دیگران است ... خدا نیز برای یافتن عشق باید خود را انکار کند. اگر خدا اینچنین باشد، شما چطور؟ آیا می‌خواهید اینگونه باشید یا نه؟ آیا دارای انجام این کار هستید؟ خدا براستی برای یافتن عشق در این مسیر گام نهاد ... شما نیز باید توانائی انکار خود را داشته باشید ... آیا در طی زندگی زمینی خود قادر به انجام این کار هستید یا نه؟

آیا خدا از انکار خود ناراحت است؟ ... تمامی مشکلات به "من" ارتباط دارد به دیگر چیزها توجه نکنید ... تنها راه برای یافتن خدا و دستیابی به کمال راه عشق راستین می‌باشد ... آیا روح و جسم شما یکی هستند؟ آیا می‌توانید خود را چهل بار انکار کنید؟ آیا وقتی که به مقام شاهزاده و شاهدخت نائل آمدید، می‌توانید خود را انکار کنید؟ اگر خدا خود را هزار بار یا ده هزار بار انکار کرده است شما باید بیشتر از او چنین کنید ... "من" به کمال خدا کمک می‌کنم ... زن و شوهر به کمال یکدیگر کمک میکنند ... برآستی اگر با خدا ارتباط نداشته باشید نزول کرده و نابود خواهید شد ... کسانی که سخنان مرا درک کرده و از آن تبعیت کنند، میتوانند به حوزه‌ی آزادی راه یابند. کردهای ها وقتی در انجام کاری با شکست مواجه می‌شوند، می‌گویند "خب اشکال ندارد" و آنقدر ادامه می‌دهند تا به پیروزی نائل آیند ... اگر دو دشمن با هم ازدواج کنند آنگاه (در پیوند با یکدیگر) اجداد نوین پادشاهی بهستی خواهند شد ... سخن عیسی را در مورد عشق ورزیدن به دشمن بیاد آورید چنین عشقی می‌تواند بر دشمن غلبه کند ...

آیا شاهد رویدادهای دنیای روح بوده‌اید؟ ... چهار مقدس به دنیای روح به پائین به حوزه‌ی خود رفته و فعالیت خواهند کرد و بر این اساس شما شاهد تغییرات چشمگیری خواهید بود ...

*** آنگاه پدر راستین از یکی از رهبران نهضت خواستند تا برخاسته و "هون دوک هه" اجرا کند. این هون دوک هه تحت عنوان "خدا والدین بشریت است" درباره‌ی آخرین گزارشات دکتر لی از دنیای روح در مورد ورکشاپی بود که به ۱۸۵ تن از رهبران مذهبی و مقدسین در دنیای روح ارائه شد. در طی این گزارش مقدسین و بزرگان مذهبی شرکت کننده در ورکشاپ هر کدام پیام‌های کوتاهی ارائه دادند که پیام ۶۰ نفر از آنان فرائت شد و سپس پدر راستین از شخص مرکزی کره خواستند که هر چه سریعتر تمامی گزارشات را بصورت یک کتاب منتشر کرده و در اختیار همگان قرار دهند. ایشان در بین گزارش اعلام کردند که اگر ما دارای کشور الهی می‌بودیم بطور عمومی این گزارشات را به جهانیان ارائه می‌دادیم. از جمله مقدسین و بزرگان شرکت کننده در ورکشاپ در دنیای روح، دوازده حواری عیسی بودند. آنها یک به یک ابراز تاسف کردند از اینکه نادان و جاهل بودند ... اشاره کردند که در طی زندگیشان این اولین باری است که با چنین حقایقی آشنا شده‌اند ... تعدادی اشاره کردند که از "مسئولیت انسان" چیزی نمی‌دانستند و در این ورکشاپ با آن آشنا شده‌اند، همینطور با تاریخ پلیدی آشنا شدند، اینکه باور دارند به خاطر عدم انجام مسئولیتشان مشیت الهی به تعویق افتاده است. از مدرس و همچنین از پدر مون به خاطر ارائه‌ی این اصل با ارزش الهی تشکر کردند و همچنین ابراز تاسف کردند از اینکه مشکلات موجود در راه عیسی به پدر مون منتقل شده و او باید به این خاطر رنج و عذاب تحمل کند. آنها تاکید کردند که برآستی اصل الهی راهنمای بشر و برای زندگی بشر ضروری است و به همین خاطر از والدین راستین تشکر کرده و در برابر آنها سجده میکنند ... همچنین اشاره شد به اینکه اصل الهی و موضوع سقوط را درک کرده‌اند و همینطور درک کردند که چون مردم از "مسئولیت انسان" اطلاعی نداشتند همه چیز را به عهده‌ی خدا می‌گذاشتند ... اکثرا اشاره کردند که از شنیدن اصل الهی بسیار متعجب شده‌اند و دوباره بطور جدی آن را آموخته و خودشان آن را به دیگران تدریس خواهند کرد ...

پدر راستین در این بین اشاره فرمودند: شما بر روی زمین باید بهتر از پطرس و آنهای دیگر باشید، و باید مسئولیت خود را انجام دهید ... چون دنیای روح را ندیده‌اید از چگونگی آن اطلاع ندارید ... شما نمی‌دانید که چه زمانی به دنیای روح خواهید رفت ...

بعد از آن بزرگانی چون ابراهیم، اسحق، موسی، داود، سلیمان، مارتین لوتر و غیره سخن گفتند و بطور عمومی هر کدام به اهمیت اصل الهی در زندگیشان اشاره نموده و اینکه بدنبال شنیدن اصل الهی زندگیشان بسیار تغییر کرده است و اینکه آرزو می‌کردند که چه می‌شد اگر در زمان زندگیشان بر روی زمین با اصل الهی آشنا می‌شدند. سپس پدر راستین فرمودند: شما باید خدا را آزاد کنید، پس به خود اهمیت ندهید ... در زمان آدم و حوا کشور وجود نداشت و همه اعضای یک خانواده بودند، درست بسان آب دریا (که در هر گوشه‌اش) به تمامی دارای یک سطح می‌باشد، تمامی کشورهای دنیا نیز باید یکی شوند.

شما باید خود را فراموش کرده و به طور کامل ویتنس کنید، باید خودتان را بطور کامل در انجام این امر بگذارید، در این صورت دارای حوزه و کشوری سلطنتی خواهید شد ... شما باید تا به آخرین لحظه مسئولیت تقبل نموده و آن را به انجام برسانید ... شما باید تغییر کنید، ما بایستی تمامی مشکلات موجود را کاملاً و یکباره حل و فصل نماییم. من خود دارای

چنین خصوصیتی هستم ... شما باید به تمامی خانواده‌ها و مردم شهادت دهید ... وقتیکه آگاه هستید باید آن آگاهی را به مرحله‌ی اجرا در آورید ... ویتنس کنید ... نهضت هماهنگ برآستی راه حل تمامی مشکلات را در دست دارد ...

(عبارت هستی در زبان کره‌ای با حروف چینی، خانه‌ای است که از دو نفر شکل گرفته است.) پدر راستین با اشاره به این موضوع فرمودند: که خانه جایگاهی است که دو نفر یعنی شوهر و زن، یا والدین و فرزند یا برادر و خواهر در آن یکی می‌شوند. این افراد در روابطشان رابطه‌ی کروی بوجود آورده و آنگاه خدا می‌تواند در آن ساکن شود. خانه‌ی هستی، جایگاهی است که تمامی انواع روابط در آن بواقعیت در خواهد آمد. خانه‌ی شما برآستی خانه‌ای است که افراد در آن یکی می‌شوند.

برآستی برای دستیابی به نقطه‌ی مرکزی در خانواده باید خدا را دوست بدارید ... زن بدون مرد، هر قدر هم که زیبا باشد نمی‌تواند به عشق نائل آید و بر عکس. هر دو - مرد و زن - برای یکدیگر بوجود آمده‌اند ... به تنهایی نمی‌توان به عشق نائل شد، بلکه برای دستیابی به عشق باید دو نفر وجود داشته باشد ... و این دو نفر باید نه در يك خط بلکه در دو خط موازی کنار هم قرار گیرند. در صورت قرار گرفتن بر روی يك خط (دو همجنس) یکدیگر را نابود خواهند کرد. آیا روح و جسم شما یگانه‌اند؟ آیا این دو در دو خط موازی هستند؟ هر چیزی باید موازی و بالانس باشد، درست مثل کفش که اگر در حالت موازی و بالانس استفاده نشود بمرور زمان بد شکل و از بین خواهد رفت ... اگر عشق وجود نداشته باشد دلیلی هم برای با هم بودن وجود ندارد ... تنها چیزی که میتواند خط موازی را وجود آورد عشق است ... "ما به موازی مطلق نیاز داریم" (پدر راستین از همی حضار خواستند تا این جمله را تکرار کنند.) وقتی که دو نفر یکی شوند، آنگاه امید شکل خواهد گرفت ...

/پایان/